

عامل اقتصاد و سیاست استعماری، یعنی هیئت حاکمه دشمن سرسخت ترقی هنر و علم و فرهنگ است. چرا که باطلوع آفتاب فرهنگ، باید خفاش وار ازمین ما بگریزند. ملی کردن دبیرستانها، افزایش شهریه، امتحان ورودی برای سال اول دبیرستانها و بستن درهای دانشگاه بروی انبوهی عظیم از فارغ التحصیلان و نگشودن مدارس و مؤسسات حرفه‌ای برای آنان، حقوق کمتر از مستخدم معلمین، آلودن ساحت مقام مدارس و دانشگاه ها با قدم های پلیس مخفی، بزندان کشیدن و شکنجه دادن دانش آموزان و دانشجویان و معلمین و بالاخره همه روشنفکران، جلو گیری از چاپ کتب مفید علمی و نشر روزافزون نشریات و کتب فاسد و روزی نامه‌ها، و رنگین نامه‌ها، همه دلایل روشن و قاطعی است بر اینکه فقط و فقط، دیو ظلم و جهل پاسدار کاخ متزلزل هیئت حاکمه ضد ملی و ضد آزادی است.

همرزمان عزیز، مبارزات پرشور و قاطع شما، از یکسوهیچون ضرباتی سهمگین بر یکر محضر هیئت حاکمه و فرهنگ استعمارش فرود می آید و ادا به مرگ ابدی نزدیک می سازد و از سوی دیگر شوق مبارزه را در دل ما دانشجویان و دگر رزمندگان جبهه ملی دود چندان می کند. پیوسته باد مبارزات پرشور و بی گریز و دلیرانه شما رزمندگان راه آزادی و وطن و سنگر جبهه ملی - درود آتشین بشما دلاوران آزاده که گلیانک پاکتان، نوید و امید فردای روشن را در دل ملت ستمکش ایران حیات می بخشد.

اعتصاب معلمان تهران!

روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ماه، معلمین تهران با اعتصاب بی نظیر و پر جلالشان فریاد اعتراض خود را بخاطر عدم توجه به خواست های منطقی و قانونیشان، بگوش جهانیان رسانیدند. پیام دانشجو - همبستگی معلمان تهران را صمیمانه تهنیت می گوئیم و پشتیبانی خود را از خواسته های آنان اعلام می داریم.

اخبار نمونه انتخابات آزاد

مردم قهرمان بروجن (چهارمجال بختیاری) هفته ها و ماههاست که علیه کاندیداهای تحمیلی دولت استقامت کرده و می کنند. چند روز قبل فرماندار برخلاف قانون انتخابات از اشخاصی که واجد صلاحیت نبودند و ساکن محل نیستند، دعوت کرد تا انجمنی طبق دلخواه خود، مطیع و فرمانبردار بسازد. مردم علیه این اقدام فرماندار که متأسفانه در تمام کشور بوده با کمال متانت نمایشات اعتراض آمیز دست زدند ولی گلوله ژاندارمها تنها پاسخی بود که دولت شریف امامی بتقاضاهای قانونی مردم بروجن داد. در این جریان شش نفر کشته و عده زیادی مجروح شدند. هم اکنون يك گردان سرباز اعزامی از اصفهان بروجن را محاصره و کلیه ارتباطات این شهرستان را با سایر نقاط مملکت قطع کردند. اینست يك نمونه دیگر از اعمال آزادیخواهانه !! و بسیار شرافتمندانه !!

دولت در اجرای انتخاباتی که کوس رسوائی آن بر سر بازارهای جهان کوفته شده و ملت ایران هرگز برای آن اعتباری قائل نیست. خبری از تبریز

تبریز - تهران ۲۱۰۵ ک ۱۰۵ ت ۱۶ ر ۱۲ ر ۳۹
جناب آقای صدر الاشراف رئیس مجلس سنا - رونوشت روزنامه کیهان - رونوشت خواندنیا - بکشنه ۱۴ ر ۱۲ ر ۳۹
دانشگاه تبریز نیز بدنبال دانشگاه تهران بسته شد. دانشجویان با اجتماع در خیابان ها نسبت باین عمل غیر قانونی و بدون دلیل، اعتراض کردند. دانشجویان تبریز گشایش بدون قید و شرط دانشگاه های تبریز و تهران و آزادی دانشجویان زندانی و رسیدگی به درخواستهای ملی و قانونی آنها را از اولیاء مربوطه خواستارند.

از طرف دانشجویان دانشگاه تبریز - فریدون بابائی - خامنه ای عبدالرحیم عزیزی بابائی - محمد باقر بارفروش خبری از مشهد

دانشجویان دانشگاه مشهد ضمن اعتراض به تعطیل دانشگاه تهران و بازداشت دانشجویان، با تظاهراتی پرشکوه از خواسته های قانونی دانشجویان دانشگاه تهران حمایت کردند و با اعتراض قانونی دانشجویان، دانشگاه مشهد نیز بدنبال تعطیل دانشگاه تهران و تبریز، تعطیل شد.

اعلامیه دانش آموزان قزوین وابسته بجبهه ملی

پیام دانشجو

نشریه

سنگین نمی شد این همه خواب ستمگران می شد گر از شکستن دل ها صدا بلند صائب تبریزی

کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی بها ۵ ریال ۱۴ ر ۱۰ ر ۱۴

بخش آموزشی «سائتر الیزم دمکراتیک» «۱»

در این چند هفته که بخاطر حساسیت تاریخی آن هیئت اجراییه مرکزی جبهه ملی و کمیته مرکزی آن در دانشگاه در برابر حوادث فراوان و احیاناً ساکبانی، ناگزیر به اخذ تصمیمات فوری و غیره ترقه ای بوده است، گاهی برخی از این تصمیمات بانظر بهضی از همزمان ما، هماهنگ نیامد. خوشبختانه در این گونه موارد دوستان آبدیده و همسنگران رسمی ما جملگی در حل این مشکل که چگونه باید این اختلافات کوچک نظری را آتش زد کرد و به وحدت رسانید، پیروزر آمدند. اختلافی که وجودش در هر سازمان - خواه سیاسی - خواه غیر سیاسی - علی الخصوص جبهه ملی که جبهه آزادگانت اجتناب ناپذیر می باشد؛ ولی مهم، شناخت و رفع و استفاده از آنست. اما گروه معدودی از دوستان هواخواه (سمپاتیزان) و پرورش نیافته ما از گشایش این مشکل عاجز آمدند.

اینان را می توان بدو گروه تقسیم کرد:

اول، جمعی که بیپایه حفظ سائترالیزم (مرکزیت)، ولی در واقع ایمان به دسپوتیسم (استبداد و مطلق العنانی)، معتقد بودند، باید بدون کمترین اندیشه و تردید، فرمان مسئولین را بخاطر ایمانی که بآنها داریم، بیدرنگ گردن نهاد.

دوم، عده ای که بدستاورز لوزوم دمکراسی ولی در حقیقت اعتقاد به آنارشیسم (هرج و مرج طلبی) نظر هر کس و منجمه مسئولین و رهبران را بدون تأمل در مقابل «عقل کل» خویش بجیزی نمی گرفتند و می خواستند همچنان به خود کامگی خود باقی مانند. گروه اول این نکات اساسی را نادیده می گرفتند:

۱- جبهه ملی که یکی از خواسته های اساسیش، آزاد و آزادگی است و می خواهد و باید خود نمونه عالی اجتماعی مرکب از انسانهای آزاد و آزاده و آگاه و واقعی باشد، با تعبد فاشیستی و اطاعت کور کورانه سخت مخالف است. اطاعت کور کورانه روح و اندیشه خلاق و برابر انسانی را بزمرد و نازا می کند و او را بماشینی بدل می سازد و از کوچکترین گلابه و سوء تفاهم و اختلاف نظر، چون از تظاهر و بیان آن جلو گیری شده است، عقده های کور روحی و اختلافات عمیق عاطفی و نظری را بیازمی آورد.

۲- هر عضو سازمان آزادیخواهی، بخصر ص دانشجوی و روشنفکر، اولاً نیازمند روابط سازمانی دمکراتیک است تا با پیشنهادات و انتقادات اصلاحی - که حق و وظیفه اوست - برای برانه و نقشه صحیح تر، مددکاری کند ثانیاً برای او ایمان قلبی بعد از ابقان عقلی حاصل می شود و باید حاصل شود. از اینرو، او را با فیدئیسیم (مقدم داشتن ایمان بر علم) سر و کاری نیست.

۳- اگر رهبری در انتخاب تاکتیک ها، بخاطر رفت و با تذکر صمیمانه اعضا ساده راه درست را دریافت، نباید بداشت رهبری زبون و اسیر سر کشی های جسارت آمیز اعضا معمولی شده است. زیرا اولاً تاریخ بیاد ندارد که هیچ انسانی حتی در عالیترین قله کمال، از خطا مصون باشد. ثانیاً با اعتراف و اصلاح خطا، رهبری نه تنها از ارج خود نمی کاهد بلکه شایستگی، واقع بینی و وارستگی خود را از غرور و تعصب نشان میدهد. اصولاً خطا که از برجسته ترین رهبران سیاسی و غیر سیاسی نیز سر زده است و سر میزند، عیب نیست، عیب در عتراف نکردن و مهمتر از آن شناختن علل خطا، برای پیش گیری از تکرار آنست. رهبری و وظیفه دارد برای استحکام و تکامل سازمان، میکرب های خطا را بشناسد و بشناساند و از اعتراف بموقع، بیپایه سوء استفاده دشمن نگریزد. زیرا هیچگاه ضرر سوء استفاده دشمن از زبان میکرب هائی که هر لحظه سازمان را به تکی و احیاناً نامرک میکشاند، بیشتر نخواهد بود. از سوی دیگر اساساً خطا با حقیقت تلازم دارند. تا خطائی نباشد حقیقتی نخواهد بود. خطا زائیده حقیقت است.

انعکاس جنبش ملی مردم ایران

مجله برتیراژ و مشهور و متفرد امریکائی تایمز چنین مینویسد:

تظاهرات دانشجویان

دوازده هزار دانشجوی دانشگاه تهران در خیابانها تظاهرات برداخته و برای تامین آزادی انتخابات فریاد اعتراضشان بلند بود ولی تظاهر کنندگان با پلیس و ماشین های آتش نشانی که با فشار قوی آب سرد میباشید، مواجه شدند. این مجله آنگاه به بحثی در زمینه دورنمای سیاسی ایران پرداخته و مینویسد: «هفته گذشته کاملاً روشن شد که انتخابات فعلی به مراتب سنگین تر و کثیف تر از انتخابات هفت ماه پیش است. در این مبارزه (انتخاباتی) فقط یک حزب بدون اینکه کرسی بدست آورد قدرت شکر ف خود را نشان داد و این حزب همان حزب اتلافی جبهه ملی است که از پیروان محمد مصدق تشکیل شده است. محمد مصدق نخست وزیر سابق ایران همان

دانشجویان دانشگاه تهران فندان تأثر انگیز مرحوم سید محمود فریمان فرزندان دلیر و باتقوای وطن و عضو شورای مرکزی جبهه ملی را بموم هموطنان عزیز تسلیت میگویند

۴ - اساساً در هر «کل» خواه سازمان سیاسی یا ارگانیک انسان، خواه یک ماشین یا یک بنای سیمانی؛ یک «جز» هر قدر صاحب ارزش و نقش عظیم باشد (مثلاً دستگاه رهبری) نتواند ارزش و نقش آن «کل» را دارا باشد. «اجزاء» معمولی هر چند بسیار ناچیز هم باشند، نقش و وظیفه‌ای دارند و عضو ساده یک سازمان سیاسی با اطاعت ماشینی، خود را تقریباً تا به پایه «هیچ» تنزل میدهد. گروه دوم به ارزش این مطالب اصولی می‌تواند توجه کند.

۱ - کار سیاسی از آشپزی و پالان دوزی ساده تر نیست. در حالی که برای مداوای جسمانی یک فرد لااقل شش سال تجربه نظری و عملی - آنهم بر اهنامی دهها استاد - لازم است، برای ممالجه بیماریهای پیچیده ترین پدیده‌ها، که مرکب از میلیونها فرد انسانی است یعنی جامعه، نباید فقط به «علم لدونی» و تجربیات اندک «شخصی» اکتفا نمود و احیاناً بدون داشتن تجربیات قابل ذکر در زمینه نظری و عمل و عدم اطلاع از علل تصدیقات و دستورات، بجای اطاعت از مسئولین، فرمان شخصی صادر کرد. زیرا این، جز خودکامگی و مرج طلبی تکروی، و نطفه پدیده خطرناک فراکیونیسیم (دسته بندی) و نشانه عدم قابلیت برای کار جمعی چیز دیگری نیست. اولین شرط انتقاد شعور و آگاهی کافی است و یک سازمان برای ایجاد روابط دمکراتیک قبل از هر چیز باید شعور اعضا خود را بالا ببرد.

۲ - در مقتضیاتی که تجربیات تلخ گذشته، ما را بساله وحدت هر چه استوارتر دستجات و عناصر ملی، بسیار حساس کرده است، و هیئت حاکمه وطن فروش و مستبد، مثل دیگر کشور های مشابه، شدت دربی تفرقه اندازی و لکه دار کردن مبارزات مقدس ماست، در همه وقت و در همه جا، نزد دوست و دشمن، هباهوی مخالف بپا کردن و قصد تحمیل عقاید خام خود را داشتن، نشانه استقلال فکری و آزادی دانشجوئی و روشنفکری نیست. قبل از هر چیز، معرف عدم شناسائی حساسیت فراوان وحدت نیروهای ملی است با توجه بآنچه مذکور افتاد میتوان نتیجه گرفت:

- ۱ - اگر دسیوتیم دسته اول و یا آنارشسیم گروه دوم را منبای روابط سازمانی دهیم سازمان خود را که تار و عریوب عمیق و اساسی فوق الذکر کرده ایم
- ۲ - ساترالیسم ادعایی است اول، چیزی جز دسیوتیم نیست، زیرا یکسره از دمکراسی و انتقاد خلاق بیگانه است.
- ۳ - دمکراسی لفظی گروه دوم در عمل همان آنارشسیم است، زیرا مانند اکثر بدون رهبر در آن نشانی از ساترالیسم واقعی و نیرو بخش نمیتوان سراغ گرفت.
- ۴ - بنا بر این، ساترالیسم و دمکراسی - که بظاهر مانع العجم اند - بدون یکدیگر، ماهیت خود را از دست میدهند. از اینرو، برای دفع عیوب تفرق آنها و کسب محاسن تجمع آنها، باید دمکراسی را مانند وحی در بدن ساترالیسم دمید و بر منبای ترکیب آندو یعنی «ساترالیسم دمکراتیک» سازمانی بنیان گذارد زنده و نیرو مند؛ سازمانی با اطاعت آگاهانه و اقتاد صمیمانه، سازمانی در خور و مقوم و مقوی بر نامه و وظایف جبهه بنا بدلائیل فوق است که ساترالیسم دمکراتیک را جبهه ملی بعنوان شاهره ای برای وحدت عمیق و پایدار - وحدت نظری، عاطفی، عملی، برگزیده است. پایان

کسی است که چند سال پیش بزندان افتاد و از سال ۱۹۵۶ که از زندان خلاص شد تا کنون در خانه خویش تحت نظر میباشد. هفته گذشته که آرا را قرائت کردند موقعیت جبهه ملی در تحریم انتخابات روشن گردید. زیرا در پایشخت ایران که ۶۰ هزار فرمیتوانند رای بدهند فقط شصت و پنج هزار رای گرفته شده است. یازده نفر از سیاستمداران مشهور جبهه ملی در عمارت سنا که ۷۲ میلیون تومان خرج بنای آن شده است، متحصن شدند ولی در تحصن گاه بصورت زندانی درآمدند و ارتباط آنها با خارج قطع شد. بطوریکه یک نفر چلو کبابی مشهور ایرانی که برای آنها چلو کباب آورده بود، پس از خروج از عمارت سنا، وسیله مأمورین انتظامی توقیف و زندانی گردید.

از روزنامه آلمانی تا کس اسینگل چهاردهم فوریه ۱۹۶۱:

تهران - یونایتد پرس - در آخر هفته تهران صحنه زد و خورد بود - پس از یک اعلامیه رسمی معلوم شد که شش پاسبان - دو مأمور آتش نشانی و ده نفر از اعتصاب کنندگان مجروح و هشتاد نفر دانشجو به زندان کشیده شدند. اعتصاب کنندگان دانشجویان وابسته بجبهه ملی بودند و درخواست میکردند که از آزادی بیشتری برخوردار شوند و دولت شریف امامی برکنار شود.

از نیویورک تایمز چهاردهم فوریه

تهران - ایران چهاردهم فوریه - هزاران نفر دانشجویان دانشگاه تهران روز سه شنبه اعتصاب خود را از سر گرفتند و درخواست داشتند که دانشجویان زندانی بیدرنگ آزاد شوند و انتخابات در جریان باطل شود و دولت استعفا کند

پایان

درد گرم و پر شور مادانش آموزان قزوین به دانشجویان دلیر و مبارز دانشگاه تهران که سرسختانه در راه کسب آزادی و احیای حقوق از دست رفته ملت ایران و همچنین برای تحقق بخشیدن به آرمانهای مقدس و انجام رسالت تاریخی خود، در دنیا کترین شکنجه های قرون وسطائی و وطن فروشان را با آغوش باز تحمل کرده و در مقابل هر گونه تهدید و تطمیع هیئت حاکمه مردانه به مبارزه حق طلبانه خود ادامه میدهند مادامیکه راه پایگاه استقلال و نگر شکست ناپذیر مبارزات ملی میشناسیم مانیز همراه خواهران و برادران دانشجوی خود که پرچمدار آزادی و استقلال ایران عزیزند ز جوار و تنفر خود را از دولت شریف امامی که سرسپرده بیگانگان است اعلام داشته و انتخابات قلابی دوره بیستم را که در محیط وحشت و اختناق صورت گرفته قانونی نمیدانیم و همگام، همصدار و شادوش روشنفکران کشور علیه هر گونه تجاوزات استعمار گرانه که بحقوق ملت مامیشود مبارزه میکنیم و تا پیروزی نهائی به پیمان مقدس خود وفادار خواهیم ماند.

درد و در بند کشیدگان دانشگاه سلام گرم و آتشین بر هبران جبهه ملی ایران دانش آموزان قزوین طرفد و جبهه ملی

اعلامیه دانشجویان دانشگاه تبریز

دانشگاه و دانشسرای عالی تهران باردیگر تعطیل شد و اولیاء دانشگاه بعلت اهانت بیک اوستاد (!) درهای آهنین دانشگاه را بروی جوانان بستند و اعلام داشتند که دیگر دانشجویی نمیشناسند. هیئت حاکمه و اولیاء دانشگاه بخیال اینکه بایستن دانشگاه مبارزه جوانان را درهم خواهد شکست، باین اقدام غیر قانونی دست زدند و بدین ترتیب خود را نگهبانان جهل و غلم مردم سراسر گیتی معرفی کردند. اگر توهین بیک اوستاد (!) چنین رگ غیرت اولیاء دانشگاه را برانگیخته چرا اساتید شرانتند دیگری را که بجرم حق گزینی به بند یکشند و بزندانشان میبرند، اولیاء دانشگاه لب از لب نمیکشایند؟ توهینی، که دانشگاه بخاطر آن بسته شده عکس العمل طبیعی رفتار غیر انسانی و وحشیانه دولت و هیئت حاکمه است - و عدم توجه بدخواستهای ملی و قانونی طبقه روشنفکر کشور عکس العمل های شدیدتری را نیز بدنبال خواهد داشت. هیئت حاکمه با همه کوششی که بخاطر دورنگهداشتن دانشجویان میکرد ایندفعه قادر نشد که طبقه جوان را ساکت کند و سعی و تلاش پاک بپدر رفت دانشجویان بعد از هفت سال خفقان یکباره زنجیرها را پاره کردند و بخاطر دفاع از آزادی و حقوق انسانی بیاخواستند دانشجویان نمیشناختند مجلسی که خونهای اجاد و پدرانشان است محل جلوس نوکران حلقه بگوش و اربابان و مالکین بزرگ باشد و جای ملک المتکلمین هارا؛ افراد پست و بی عرضه ای که لیاقت هیچ کاری را ندارند بگیرند هیئت حاکمه با ماشینهای آتش نشانی و سر نیزه برای سرکوبی افکار آزادی طلبانه ملت ایران و فرزندان دلیرش یورش آورد اما مگر با تهدید و تهمت و شلاق میشود مبارزان راه آزادی را سرکوب کرد؟ هیئت حاکمه ایران بهتر است سر نوشت افرادی چون سبنگمانری ها، نوری سعید ها و مندرس هارا که برای سرکوبی دانشجویان حق از نقل نیز ابا نکردند و در نظر بگیرند تعطیل دانشگاه تهران تنگ بزرگی است بر جبین دولت و هیئت حاکمه مبارزه ملت با این کارشکنی ها متوقف نخواهد شد

ما دانشجویان دانشگاه تبریز نفرت عمیق خود را از اعمال غیر قانونی دولت ابراز میداریم. ماراه خواهران و برادران خود را با پیگیری تمام دنبال میکنیم و اجازه نمیدهیم که یش از این بطبقه دانشجویان ایران توهین شود ما مصر امیخو اهیم

- ۱ - دانشگاه تهران هر چه زودتر باز شود
 - ۲ - دانشجویان زندانی دانشگاه تهران آزاد شوند
 - ۳ - مجلس قلابی دوره بیستم هر چه زودتر منحل شود
 - ۴ - آزادی اجتماعات و مطبوعات به مردم ایران داده شود
- پیروزی باد همبسته ای دانشجویان ایران - درود فراوان بدانشجویان قهرمان دانشگاه تهران - موفق باد مبارزه ملت ایران در سنگر جبهه ملی دانشجویان دانشگاه تبریز

دانشجویان دانشگاه تهران سال نورا با این امید که سال پیروزی مبارزات ملی و رهائی ملت از قید و بند حکومت استبداد است به هموم هموطنان ارجمند تبریک میگویند

افتخار به علمدین شریف و دانش آموزان دلیر سراسر کشور

دانشجویان دانشگاه تهران هنوز هم به بازداشت کلیه دانشجویان زندانیان جبهه ملی شدیداً اعتراض میکنند

کمیکه برای حفظ جان از آزادی صرف نظر کند استحقاق آزادی را ندارد

فرانکلین

مرد در حالیکه انسان بر پای ایستاده است بهتر از زنده ماندن و بروی زانو خیزیدن است

همینگوی